



An Examination of Equivalence in Translating "Maf'ul Lahu" Based on Antoine Berman's Theory; A Case Study on Naser Makarem Shirazi's Translation of the First 100 Sermons from Nahj al-Balagha [In Persian]

Seyyed Mohammad Razi Mostafavinia ¹ , Liqaa Jenabi ² , Najme Khorasani ³ 

1 Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Qom University, Qom, Iran

2 Level 3 of Qom Seminary (Jameat Al-Zahra) in Tafsir, Qom, Iran

3 Master's degree in Tafsir Asari (Narrative Interpretation), Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran



*Corresponding author: dr.mostafavi@pooyesh.ac.ir



Received: 29 Dec, 2023

Revised: 28 Jun, 2024

Accepted: 22 Aug, 2024

ABSTRACT

Numerous theories addressing translation challenges have been proposed, each providing a distinct framework for mitigating translation issues. One notable theory is that of Antoine Berman, who focuses on a text-centered approach and introduces the notion of "disruptive tendencies." He underscores the significance of adhering closely to the source text and advocates for translators to maintain fidelity to both its form and content. Berman is particularly critical of prevalent practices such as domestication and denigration of foreignization within translation processes. A specific challenge faced when translating from Arabic to Persian involves rendering "maf'ul lahu" and its various forms; translators must ensure precise equivalence while considering the speaker's intent. The term "maf'ul lahu" inherently implies causality—a concept that Persian translators frequently find difficult to convey accurately. Explicitly indicating causality may disrupt the fluidity and elegance of the target text, while omitting it can result in an inaccurate representation. This study seeks to conduct a descriptive and analytical critique regarding how "maf'ul lahu" is translated in Naser Makarem Shirazi's rendition of the first 100 sermons from Nahj al-Balagha, with a focus on Berman's theoretical framework. From among Berman's twelve components related to disruptive tendencies, three significant elements—rationalization, expansion, and clarification—are selected for detailed analysis concerning sermons featuring "maf'ul lahu," thus assessing how faithfully the translator adheres to the original text. Although Makarem Shirazi's overall approach can be characterized as source-oriented, he often fails to translate "maf'ul lahu" accurately in numerous instances. Furthermore, contextual analysis indicates that he does

not consistently achieve appropriate equivalences aligned with Berman's source-oriented perspective. His application of clarification and expansion techniques has led to distortions in several cases; additionally, he has modified structural elements as a form of rationalization. While some alterations may be necessary for achieving greater fluency in translations, they are nonetheless viewed as distorting factors according to Berman's theoretical framework.

Keywords: Nahj al-Balagha, Naser Makarem Shirazi's Translation, Antoine Berman, Translation of Maf'ul Lahu.

[Downloaded from jsal.iut.ac.ir on 2025-04-04]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

بررسی معادل یابی ترجمه مفعول له بر اساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی ترجمه ۱۰۰ خطبه اول نهج البلاغه از ترجمه ناصر مکارم

سید محمد رضی مصطفوی نیا^۱، لقاء جنابی^۲، نجمه خراسانی^۳

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. سطح سه رشته تفسیر، جامعه الزهراء، قم، ایران

۳. کارشناسی ارشد تفسیر اثری، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: dr.mostafavi@pooyesh.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

چکیده

نظریات مختلفی در باب ترجمه وجود دارد که هر یک به منظور رفع آسیب های ترجمه، ساختاری را ارائه می دهند. یکی از آن نظریات نظریه متن محور آنتوان برمن است. او از نظریه پردازان مبدا گرایی است که نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» را پی ریزی کرده است. وی در جایگاه مترجم و نظریه پرداز توجه ویژه ای به متن مبدا دارد و معتقد است مترجم باید از جهت شکل و محتوا، مقید و وفادار به متن مبدا باشد. او از جمله نظریه پردازان مبدا گرایی است که با گرایش متداول بومی سازی و تقبیح بیگانه سازی در فرایند ترجمه به شدت مخالفت کرده است. یکی از چالش های ترجمه عربی به فارسی، ترجمه مفعول له و انواع آن می باشد. چراکه مترجم باید دقیقترین معادل یابی را با در نظر گرفتن غرض گوینده، داشته باشد. مفعول له، معنای علیت را در خود نهفته دارد که معمولاً مترجمان فارسی زبان نسبت به ترجمه دقیق آن دچار مشکل می شوند چرا که از سویی تصریح به معنای علیت در زبان مقصد ممکن است متن را از روانی و شیوایی خارج کند و از سوی دیگر عدم تصریح به آن نیز، به معنای عدم ترجمه صحیح مفعول له، تلقی می گردد. پژوهش حاضر درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی ترجمه مفعول له در ۱۰۰ خطبه اول نهج البلاغه را بر اساس ترجمه مکارم شیرازی را با تاکید بر نظریه آنتوان برمن، مورد نقد و تحلیل قرار دهد. در این جستار از میان دوازده مولفه ی نظریه ی گرایش های ریخت شکنانه، سه مولفه ی عقلایی سازی، اطناب سازی و شفاف سازی که از مهمترین مولفه ها هستند انتخاب شده و بر ترجمه ی خطبه های دارای مفعول له، تطبیق داده شده است؛ تا بدین وسیله میزان وفاداری مترجم نسبت به متن اصلی تعیین گردد. ترجمه مکارم شیرازی را می توان در مجموع ترجمه ای مبدا گرا دانست اما در بین خطبه هایی که ترجمه آن بررسی شد، ایشان در بسیاری موارد مفعول له را به صورت

دقیق ترجمه نکرده است، ضمن این که با بررسی بافت متن نیز مشخص می‌گردد ایشان با توجه به نظریه برمن که نظریه‌ای مبدا گراست، در موارد متعددی معادل یابی مناسبی نداشته است و در زمینه شفاف سازی و اطناب کلام نیز، بر اساس نظریه «برمن» سبب تحریف متن گشته است و در مواردی نیز با تغییر ساختار متن مبدا دست به عقلایی سازی زده است که البته برخی از این موارد برای روانتر شدن ترجمه ضروری است اما بر اساس نظریه «برمن» از عوامل تحریف متن، به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی، آنتوان برمن، ترجمه مفعول له.

مقدمه

نهج البلاغه برگزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی (ع) است که توسط سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری جمع آوری شد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغتش، به «اخ القرآن» (برادر قرآن) نام‌گذاری شده است. و به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران کتاب نهج البلاغه از نظر شیوایی و بلاغت بعد از قرآن کریم در رتبه دوم قرار دارد (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵: ۲۴)

نهج البلاغه در لغت به معنای راه رسا و بلیغ سخن گفتن است. سید رضی کوشیده است از میان احادیث منقول از امام علی علیه السلام، بلیغترین و زیباترین آنها را گزینش و در این مجموعه گرد آورد. همین ویژگی راز ماندگاری و جاودانگی این کتاب در حوادث سهمگین و تلخ گذشته تاریخ و موجب شهرت آن در میان گروه‌های مختلف مسلمانان و شخصیت‌های برجسته غیرمسلمان از جمله جرج جرداق مسیحی گشته است.

با توجه به اهمیت این کتاب تا کنون ترجمه و شرح‌های بسیاری بر آن نوشته شده است. برخی از پژوهشگران بیش از ۳۷۰ اثر را در شرح و تفسیر و ترجمه و... نهج البلاغه بر شمرده‌اند و تاکنون چندین ترجمه از نهج البلاغه به چاپ رسیده است و از جمله‌ی آنها ترجمه مکارم شیرازی بر این کتاب ارزشمند است. مکارم شیرازی از مراجع تقلید شیعیان و یکی از اساتید بزرگ درس خارج فقه و اصول در قم است. ایشان آثار ارزشمند بسیاری در زمینه قرآن و نهج البلاغه در کارنامه‌ی خود دارد و از جمله آنها می‌توان به تفسیر نمونه، ترجمه قرآن، پیام قرآن و پیام امام امیرالمؤمنین (ع) اشاره نمود. ایشان در آثار خود سعی دارد اسلام ناب و خالص و به دور از هر گونه تحریف را معرفی نماید.

پر واضح است که ترجمه صرف نظرازنوع متن، کاری بسیار سخت و دشوار است. حال اگر ترجمه کتابی مانند نهج البلاغه مدنظر باشد دشواری کار و مسوولیت مترجم دوچندان خواهد

شد. با توجه به اهمیت این مساله، نقد و بررسی ترجمه ی چنین کتابی نیز بر ما روشن می شود. درحقیقت نقد و بررسی متن ترجمه شده این فرصت را برای خود مترجم و یا دیگران مهیا می کند که ترجمه مورد نظرا بازبینی کرده و در چاپهای بعدی اصلاح کند تا ترجمه ای بهتر و کم خطا تر به خوانندگان ارائه کند.

یکی از روشهای بررسی و نقد متن ترجمه شده رویکرد متن محور است، در این روش بخشی از متن مبدأ با ترجمه ی آن در متن مقصد مقابله می شود هدف از این مقابله تحلیل قسمت هایی از دو متن مبدأ و مقصد است که از لحاظ زبان شناسی یا لغت شناسی تعریف شده اند (فرحزاد، ۱۳۸۲: ۳۲) هدف از این روش صرفا بیان نقاط ضعف ترجمه نیست، در این روش تحلیل گر به موازات خرده گیری نسبت به ترجمه مورد نظر، نقاط قوت آن را نیز مورد توجه قرار خواهد داد. بنابراین خواننده علاوه بر اینکه از اشکالات ترجمه آگاه می شود، با راهکارها و پیشنهادات مترجم نیز آشنا می شود و می تواند از آنها بهره ببرد.

از موضوعات قابل تحلیل در نقد متن محور، موضوع معادل گزینی است، که به معنای انتخاب مناسبترین معادل در دو سطح واژگانی و بافت متنی در زبان مقصد است.

ما در این مقال با بررسی صد خطبه نخست نهج البلاغه برانیم که به پاسخ این سوال پردازیم که مکارم شیرازی تا چه اندازه در ترجمه ی انواع مفعول له با توجه به نظریه مبدأ محور آنتوان برمن، در مبحث معادل گزینی موفق عمل نموده است؟

بررسی نظریات معادل یابی در ترجمه

اصل معادل یابی در حقیقت چیزی است که بخش اعظم از فرایند ترجمه در آن خلاصه می شود. مترجم از ابتدا تا انتهای ترجمه سرگرم آنست که معادل های مناسب و صحیح از زبان مقصد برای واژه ها، مفاهیم و جمله های متن مبدأ بیابد. (طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۳: ۳۸) نظریه پردازان در رابطه با معادل یابی در ترجمه نظریات مختلفی ارائه کرده اند، این نظریات به سه دسته اساسی تقسیم می شود: ابتدا نظریه پردازانی که نسبت به ترجمه نگرشی زبان شناسانه دارند و ترجمه را صرفا در زمره موضوعات زبان شناسی می دانند.

گروه دوم معتقدند وقتی پیامی از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه می شود مترجم با دو فرهنگ مختلف به طور همزمان مواجه است. بنابراین معادل یابی را در ترجمه به عنوان ضرورتی در انتقال پیام از فرهنگ مبدأ به فرهنگ مقصد دانسته و دارای نگرشی کاربردی-معنایی می باشد و گروه سوم حد وسط این دو نظریه را برگزیده اند مانند بیکر که ادعا می کند: با وجود اینکه

معادل‌یابی امری نظری بشمارمی‌رود اما مترجمان آن را نوعی سهولت‌کار در ترجمه به حساب آورده و به آن خو گرفته‌اند.

انواع متون: براساس دیدگاه رایس و بوهرلر

متن محتوا محور یا اطلاعاتی

در این نوع متون، محتوا نسبت به چگونگی بیان پیامها (فرم زبانی) از اهمیت بیشتری برخوردار است. گزارش‌های علمی از این دسته‌اند که هدفشان انتقال پیام و دادن اطلاعات است اصل معادل‌یابی در حقیقت چیزی است که بخش اعظم از فرایند ترجمه در آن خلاصه می‌شود. مترجم از ابتدا تا انتهای ترجمه سرگرم یافتن معادل‌های مناسب و صحیح از زبان مقصد برای واژه‌ها، مفاهیم و جمله‌های متن مبدا است. نظر به اهمیت این به خواننده است. (نصری و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۳).

ترجمه متن محور

اساسی‌ترین اصل، بلکه تنها اصل در ترجمه، مطابقت کامل آن با متن مبدا در بار معنایی و مفهومی است. اگر ترجمه مطابق متن باشد، ترجمه‌ای کامل به حساب می‌آید؛ بنابراین، در ترجمه یک اثر، نخست باید ویژگی‌های بافت، موقعیت، لفظ و معنای آن اثر دریافت شود و ترجمه آن به گونه‌ای پرداخته شود که آن ویژگی را همراه داشته باشد. «پس ویژگی‌های متن، اصول ترجمه آن را شکل می‌دهد. این اصول درحقیقت، شاخه‌های همان اصل اساسی یعنی مطابقت ترجمه با متن است» (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۰).

مترجمان محتوا محور توجه‌شان را بیشتر به اصطلاحات تخصصی و ترمینولوژی؛ ساختارهای نحوی و الگوهای انتقال معنا؛ انتخاب معادلات زبانی مناسب معطوف می‌کنند. با توجه به ظرفتهای متون مقدس برخی از نظریه‌پردازان ترجمه برآنند که ترجمه‌های مقصدگرا از کارایی لازم در ترجمه متون مقدس برخوردار نیستند؛ بنابراین، مترجم چاره‌ای جز این ندارد که به رویکرد مبداگرا در ترجمه قرآن و نهج البلاغه روی آورد؛ زیرا در این شیوه از ترجمه، اصالت به متن اصلی داده می‌شود و مترجم تلاش می‌کند تا آنجا که امکان آن فراهم باشد، ویژگی‌های زبانی، بدیعی، بلاغی و معنایی متن مبدا را به متن مقصد انتقال دهد.

نظریه آنتوان برمن

آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ نگار ترجمه است. او با تأثیر از فلسفه رمانتیک آلمانی ها و کسانی چون والتر بنیامین و هانری مشونیک، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می کشد.

محور دیدگاه ترجمه شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و به این دلیل با ارائه نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» به دیدگاه های قوم گرایانه و معطوف به زبان مقصد در کار ترجمه انتقاد می کند و می سنجد. بیگانه زدایی و فرایند از آن خود ساختن از دیرباز مورد توجه مترجمان بوده است. در دوران نهضت ترجمه در عصر عباسی، آثار پرشماری از پهلوی، یونانی سانسکریتی به عربی برگردانده شد که اغلب ترجمه هایی نابرابر نسبت به متن اصلی بود، ترجمه های هزارویک شب و کلیله و دمنه، نمونه های بارزی از ترجمه های غیر وفادارانه است. این رویکرد در دوران معاصر نیز ادامه یافت و عمده این ترجمه ها با ترجمه پسااستعماری رونق گرفت. آنجا که مترجمان کشورهای استعمار شده برای رهایی از پدیده استعمار فرهنگی دست به ترجمه آثاری با رنگ و بوی بومی و محلی زدند.

دیدگاه برمن علیه چنین رویکردهای غیر وفادارانه ای است که متن مبدا را نابود می کنند. او از جمله نظریه پردازان مبدا گرایی است که با گرایش متداول بومی سازی و تقبیح بیگانه سازی در فرایند ترجمه به شدت مخالفت کرده است (ماندی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) به عقیده او متون ترجمه شده در طول فرایند ترجمه به گونه ای تغیر شکل می یابد که اثری از بیگانگی در آن یافت نمی شود (همان: ۳۲۵) «برمن» معتقد است که عده ای گرایش دارند، ریخت و شکل زبان را تغییر دهند. هدف از این کار که به زعم او نوعی نابودی متن اصلی است، تنها خدمت به معنا و صورت زیبا در زبان مقصد و خواننده است. یعنی در ترجمه خود آنچنان غرق بازنویسی و آفرینش مجدد معنا می شود که متن اصلی را به کلی به فراموشی می سپارد. او این تغییر شکلها را ناشی از عوامل قوم مدارانه ای می داند که برجته گیری مترجم تأثیر می گذارد و دوازده نوع ازین تمایلات را در تحریف متن اصلی بر می شمرد (صمیمی، ۱۳۹۱: ۶۷) این دوازده نوع عبارتند از: منطقی سازی، شفاف سازی، اطناب کلام، آراسته سازی، تضعیف کمی، تضعیف کیفی، همگون سازی، تخریب ضرب آهنگ متن، تخریب شبکه های دلالتی زیرین، تخریب سیستم بندی متن، تخریب شبکه های زبان بومی، تخریب عبارات و خاصه گی های زبان و امحای برهم نهادگی زبان ها.

البته باید گفت که با توجه به تفاوت های فرهنگی-اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به نظریه برمن در تمامی موارد بسیار دشوار است از این رو نظریه برمن در پاره‌ای از مولفه‌ها کاربردی و عملی نیست و نمی‌توان بر آن جامه عمل پوشاند. (شهرام دلشاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶)

این مقاله بر آن است به نقد ترجمه مکارم از مفعول له در صد خطبه اول نهج البلاغه، بپردازد و در این مسیر به سه مورد از مولفه‌های ریخت شکنانه «انتوان برمن» که از بقیه مهم تر و کاربردی تر است تکیه می‌کند، قبل از آغاز نقد و بررسی به تعریف و توضیح این سه مولفه یعنی؛ عقلایی سازی، شفاف سازی و اطناب کلام، می‌پردازد و سپس بررسی خطبه‌ها آغاز می‌شود:

۱-عقلایی سازی:

این شیوه ساختارهای نحوی و علایم سجاوندی را شامل می‌شود، مترجم با توجه به اهداف نویسنده، ساختار جملات یا علایم نقطه گذاری را به دلخواه تغییر می‌دهد. روشن است که در هر زبانی، کلام از قاعده ی منطقی و عقلایی خاصی تبعیت می‌کند، این قانون موجود در زبان مبدا در ترجمه بهم می‌ریزد، بنابراین یکی از عملکردهای مترجم، منطقی سازی کلام از جمله بایسته های اصلی مترجمی است که می‌خواهد متنی عربی را به فارسی برگرداند. زیرا این دو از جهت ساختار نحوی با هم متفاوتند، اما گاهی مترجم به این تغییرات ساختاری اجباری اکتفا نمی‌کند و ساختار را از سر ذوق و بی هیچ مانعی تغییر می‌دهد. «برمن» هر دو نوع این تغییرات را جزو تحریف متن می‌داند.

ذکر این نکته ضروری است که منطقی سازی را تا زمانی که به بافت کلام آسیبی وارد نکرده است نمی‌توان نادرست تلقی نمود. همچنین اگر در ویژگی‌های ترکیبی و نحوی کلام مبدا که جزو سبک نویسنده به شمار می‌آید و پیام متن در گرو این مختصات سبکی منتقل می‌شود.

بنابراین می‌توان عقلایی سازی در ترجمه را به دو دسته کلی تقسیم کرد، در نوع اول مترجم به خاطر عدم متداول بودن ترکیب زبان مبدا دست به تغییراتی می‌زند، مثل اینکه در زبان عربی فعل، در آغاز کلام می‌آید اما مترجم فارسی فعل را موخر کرده و فاعل را در آغاز جمله می‌آورد. از این دست موارد در ترجمه مکارم و بیشتر ترجمه‌های موجود، دیده می‌شود اما نمی‌توان به مترجم خرده گرفت، چراکه او مقصر نیست بلکه خصوصیات زبان مقصد مترجم را مجبور می‌کند، به چنین تغییراتی دست زند.

نوع دوم مواردی است که مترجم می‌تواند بدون ایجاد تغییری در ساختار نحوی ترجمه‌ای قابل قبول ارائه دهد اما چنین نمی‌کند، این گونه موارد، بی وفایی به متن اصلی و از عوامل ایجاد

شکاف میان متن اصلی و ترجمه به شمار می‌رود. که ازین دست موارد هم در ترجمه مکارم دیده می‌شود. که دربخش بررسی خطبه ها به آن اشاره خواهد شد.
۲- شفاف سازی:

از نظر آنتوان برمن شفاف سازی کلام یکی از عوامل تحریف متن اصلی است. شفاف سازی بیان کننده مسایلی است که در متن مبدأ واضح نبوده و یا به تعبیر دیگر پنهان و سر بسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار کردن آن را نداشته است. از آنجا که نفس ترجمه با توضیح و تفسیر همراه است، شفاف سازی در حوزه کاری مترجمان اغلب از اصول لازم هر ترجمه‌ای محسوب می‌شود.

درحقیقت، شفاف سازی روشنگری در سطح معنایی است، درحالیکه عقلایی سازی روشنگری در سطح ساختار نحوی بود. (مهدی پرور، ۱۳۸۹: ۵۹) از این رو مترجم ذاتا به واضح سازی گرایش دارد و تمایل دارد که لایه های پنهانی معنا را بازگشایی کند. اما درباره اینکه شفاف سازی خوب است یا بد، برمن معتقد است «بهتر است خصوصیات پنهان و غرایب متن اصلی حفظ شود. وی با رد هرگونه توضیح اضافه (شفاف سازی) معتقد است که مترجم باید با بازنویسی متن اصلی خلاقیت خود را نشان دهد و نه با توضیح و شفاف سازی عبارات متن اصلی. (کریمیان، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

ترجمه ناصر مکارم ترجمه‌ای است که در مجموع در تلاش است که ترجمه‌ای متناسب و همگون با متن اصلی ارایه دهد، اما از آنجا که ایشان به دنبال این است که معانی نهفته و مبهم، در کلمات گهربار و پرمغز امیرالمومنین (ع) را برای خواننده آشکار کند در بسیاری از موارد دست به شفاف سازی زده و داخل پرانتز توضیحی تکمیلی در جهت فهم بهتر معنا آورده است که این کار، از دیدگاه آنتوان برمن تحریف متن اصلی به شمار می‌آید و نباید انجام پذیرد. در ادامه در بخش بررسی خطبه ها به موارد مختلفی که شفاف سازی در ترجمه ایشان انجام شده اشاره خواهد شد.

۳- اطناب سازی کلام:

همان گونه که اشاره شد هدف از شفاف سازی، ابهام زدایی از معناست، اما اطناب، مفصل کردن کلام است. «غرض مترجم اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید. هر ترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است» (احمدی، ۱۳۹۰: ۷)
مکارم در ترجمه خود مانند بیشتر مترجمان از شیوه اطناب کلام بهره برده است. اما با توجه به سبک ایشان که مبتنی بر همخوانی ترجمه با متن مبدا است، کمتر دچار این گرایش شده

است و اطنابهای او بیشتر در حوزه کلمات صورت گرفته است و کمتر به عبارات و جمله‌ها کشانده شده است.

بعد از تبیین نظریه‌ی آنتوان برمن و سه مولفه مهمی که قرار است بر روی ترجمه مکارم بر مفعول له و بافت متنی آن تطبیق داده شود، به تعریف مفعول له و انواع آن پرداخته و سپس وارد بررسی خطبه‌ها خواهیم شد.

بررسی خطبه‌ها

خطبه یک:

۱- فَأَعْطَاهُ اللَّهُ النَّظْرَةَ اسْتِحْقَاقًا لِلْسُّخْطَةِ.

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحق غضب الهی بود با توجه به تعریفی که از مفعول له و انواع آن، به نظر می‌رسد (استحقاقاً) مفعول له حصولی یا من اجله باشد چرا که ابتدا شرایط غضب و عذاب الهی در او (شیطان) وجود داشته و به همین دلیل خداوند خواسته او را پذیرفته است. با توجه به این مطلب به نظر می‌رسد مکارم شیرازی مفعول له را نادرست ترجمه نکرده است، در واقع عبارت «چراکه» ناظر به درستی ترجمه ایشان و بیان علت است. اگر چه شاید بهتر بود به جای چراکه از (به علت اینکه) یا (به سبب اینکه) استفاده کند.

با توجه به نظریه آنتوان برمن که پیشتر گذشت و با توجه به مولفه منطقی سازی کلام، به نظر می‌رسد که آقای مکارم شیرازی در ترجمه (فاعطاه) به خطا رفته است و از شیوه عقلایی سازی کلام استفاده نموده است. ایشان این کلمه را «پذیرفت» معنا کرده است و کلمه «النظرة» را نیز «خواسته» ترجمه کرده است. شاید به نظر ایشان فهم معنای کلام امام با این گونه ترجمه بهتر و روشن تر منتقل می‌شده اما باید در نظر داشت که ما بر اساس نظریه آنتوان برمن باید به متن مبدا وفادار باشیم، و تا جایی که امکان داشته باشد معادل‌هایی را برای کلمات بیابیم که بیشترین نزدیکی و قرابت معنایی را با متن مبدا داشته باشد، به خصوص در متون دینی مانند قرآن و نهج البلاغه باید بیشترین حساسیت و دقت را در این زمینه بکار ببریم. در این عبارت ترجمه هر دو کلمه دقیق نمی‌باشد و باید از معادلی دقیق‌تر استفاده می‌نمود و اعطا را همان عطا کردن و بخشیدن معنا می‌کرد و (نظره) را مهلت دادن.

ترجمه پیشنهادی:

و خداوند به او مهلت داد (عطا کرد) چرا که مستحق غضب الهی بود.

۲- فَأَعْطَاهُ اللَّهُ النَّظْرَةَ اسْتِحْقَاقًا لِلْسُّخْطَةِ وَ اسْتِثْمَامًا لِلْبَلِيَّةِ. . .

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحقّ غضب الهی بود و می خواست امتحان را بر بندگان تمام کند.

(استتماما) عطف به مفعول له است، واز نوع تحصیلی می باشد چرا که در حقیقت خداوند به خاطر تحصیل اتمام نعمت نسبت به بندگان، خواسته شیطان را پذیرفت و به او مهلت داد. از آنجا که این کلمه با واو، عطف به ماقبل شده است به نظر میرسد مفعول له درست ترجمه شده است و نیاز به آوردن مجدد (چراکه) یا (به خاطر) نبوده است.

۳- فَأَعْطَا اللَّهُ النَّظْرَةَ اسْتِحْقَاقًا لِلْسُّخْطَةِ وَ اسْتِثْمَامًا لِلْبَلِيَّةِ وَأَنْجَازًا لِلْعِدَّةِ فَقَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ.

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحقّ غضب الهی بود و می خواست امتحان را بر بندگان تمام کند و وعده ای را که به او داده بود، تحقق بخشد.

إنجازاً، مفعول لاجله یا همان مفعول له تحصیلی است چراکه پذیرش خواسته شیطان به جهت تحقق وعده ی الهی بوده است. این عبارت نیز از لحاظ ترجمه مفعول له مشکلی ندارد زیرا عطف به ما قبل است و همان واژه (چراکه) که در ابتدای جمله آمده است شامل این قسمت نیز می شود و تکرار آن در تمامی موارد مفعول له که با واو عطف به صورت پی در پی آمده اند (حشو یا اطناب سازی می شد).

در این عبارت شاید بهتر بود (می خواست) را حذف کند و بقیه عبارت را به همان سبک و ترتیب متن اصلی به صورت مصدری ترجمه کند نه به صورت فعلی. طبق نظریه برمن در این قسمت از ترجمه، مترجم شیوه ی عقلایی سازی را پیش گرفته است و ساختار نحوی کلام را برهم زده در حالی که می توانست با همان ساختار زبان مبدا، ترجمه را انجام دهد.

ترجمه پیشنهادی:

خداوند به دلیل سزاوار بودن شیطان به خشم الهی، کامل شدن آزمایش، و تحقق وعده ها، به او مهلت داد و فرمود: تا روز رستاخیز مهلت داده شدی.

۴- فَأَغْرَرَهُ عَدُوَّهُ نَفَاسَةً عَلَيْهِ بِدَارِ الْمَقَامِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَبْرَارِ

ترجمه: ولی (سرانجام) دشمنش او را فریب داد، چرا که بر او حسادت می ورزید و از این که او در سرای پایدار و همنشین با نیکان است سخت ناراحت بود.

نفاسه، مفعول من اجله یا مفعول له حصولی است به این جهت که فعل فریب دادن (اغترار) به جهت حاصل بودن (حسادت یا رقابت) انجام شده است. در این عبارت مترجم با آوردن

کلمه چراکه تقریباً معنای علیت را رسانده و مفعول له را به شکل درست ترجمه نموده است. اگرچه بهتر بود از معادل‌های دیگر مثل به علت، به سبب و... استفاده کند. نفاسه، در دید اول ممکن است معنای رقابت و منافسه را به ذهن متبادر کند اما با نگاهی دقیق به کتب لغت می‌توان دریافت که معادل یابی مکارم در مورد این اصطلاح بسیار دقیق بوده است چرا که در کتب لغت (نفاسه علی) به همین معنای حسادت ورزیدن و رشک بردن آمده است. (آذرنوش، ۱۴۰۰: ۱۱۰۴) همچنین، عبارت «سخت ناراحت بود» در این ترجمه اضافه شده و طبق نظریه برمن، حشو و اطناب سازی می‌باشد چراکه معادلی برایش در زبان مبدا نیامده.

ترجمه پیشنهادی:

سرانجام دشمنش او را فریب داد به این علت که به زندگی او در سرای پایدار و همنشینی او با نیکان حسادت ورزید.

۵- أَحْمَدَةُ اسْتَمَامًا لِنِعْمَتِهِ

ترجمه: حمد و ستایش می‌کنم او را برای جلب اتمام نعمتش. استماما، مفعول لاجله (تحصیلی) است زیرا برای رسیدن به اتمام نعمت خداوند و تحصیل آن حمد و ستایش انجام می‌شود. در این عبارت مفعول له به درستی ترجمه شده و کلمه (برای) گواه این مطلب است که البته می‌توانست بجای آن از کلمه (بجهت) یا (بخاطر) نیز استفاده کند. شاید بهتر بود مترجم کلمه (جلب) را حذف کند چراکه با آوردن کلمه جلب معنای مفعول له به صورت حصولی ترجمه شده است درحالی‌که معنای مورد نظر ما از مفعول له در اینجا تحصیلی است.

۶- أَحْمَدَةُ اسْتَمَامًا لِنِعْمَتِهِ وَاسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ

ترجمه: حمد و ستایش می‌کنم او را برای جلب اتمام نعمتش و اظهار تسلیم در برابر عزتش. استسلاما: هم مانند مورد قبل مفعول لاجله (تحصیلی) می‌باشد از آنجا که "استسلاما" نیز عطف به ماقبل است همان وازه (برای) که ابتدا آورده شد برای این مورد هم کفایت می‌کند و لذا ترجمه مفعول له درست انجام شده است. در ترجمه این قسمت نیز به آوردن کلمه (اظهار) نیازی نبود و می‌تواند حذف شود و با اضافه کردن (بودن) به (تسلیم) مفعول له به همان شیوه مصدری ترجمه شود.

ترجمه پیشنهادی:

تسلیم بودن در برابر بزرگی او.

۷- أَحْمَدُ اسْتِثْمَا لِنِعْمَتِهِ وَاسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ وَاسْتِعْصَامًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ.

ترجمه: حمد و ستایش می‌کنم او را برای جلب اتمام نعمتش و اظهار تسلیم در برابر عزتش و تقاضای حفظ و نگهداری از معصیتش. استعصاما، مفعول له تحصیلی است. که به موارد پیشین عطف شده است و ترجمه آن نیز صحیح است.

در این قسمت نیز تقاضای حفظ و نگهداری را مطرح کرده در حالیکه حمد و ستایش به خاطر نعمت ایمنی از معصیت خداوند صورت گرفته است. پس به نظر می‌رسد اگر کلمه (تقاضا) نیز مانند (جلب) حذف شود ترجمه مطابقت بیشتری با متن مبدا پیدا کرده و به نظریه آنتوان نزدیکتر می‌شود.

ضمن اینکه آقای مکارم شیرازی کلمات عزت و معصیت را به دلیل حفظ هماهنگی با نعمت و رعایت سجع کلام بدون ترجمه گذاشته در حالیکه در کتب لغت معصیت به نافرمانی ترجمه شده است (مقایس اللغة، احمد بن فارس) البته درست است این واژگان در فارسی هم استفاده می‌شود و از این جهت نقدی به آن وارد نیست.

ترجمه پیشنهادی:

حمد و ستایش می‌کنم خداوند را به جهت (بخاطر) تکمیل نعمت‌های او و تسلیم بودن برابر بزرگی او و ایمن ماندن از نافرمانی او.

۸- وَأَسْتَعِينُهُ فَاقَةً إِلَى كِفَايَتِهِ

ترجمه: از او یاری می‌جویم چراکه نیازمند به کمک و کفایت او هستم. فاقه، را می‌شود تحصیلی گرفت از این جهت که برای تحصیل و رسیدن به کمک و کفایت خداوند از او یاری می‌جویم؛ و می‌توان، حصولی بگیریم از این جهت که بگوئیم چون فقر و فاقه در من وجود دارد و حاصل است به همین دلیل از خداوند یاری می‌جویم. در این عبارت مفعول له، به درستی ترجمه شده است و در ترجمه کل عبارت نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد و لذا با نظریه مطابقت دارد.

۹- أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالَّذِينَ الْمَشْهُورِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ

ترجمه: نیز گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست، او را با دین و آیین آشکار. و امر و فرمان قاطع و بی‌پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد.

إِزَاحَةٌ، تحصیلی است زیرا ارسال رسول به منظور تحصیل از بین بردن شبهات بوده است. در این قسمت از خطبه و ادامه آن، مترجم مفعول له را درست ترجمه نکرده است و لازم بود بگوید: (بخاطر از بین بردن شبهات) تا معنای علیت را رسانده باشد. اما در ترجمه ترکیب (الامر الصادع) امر و فرمان قاطع و بی‌پرده دو واژه مترادف آورده که نیازی به آوردن واژه دوم (بی‌پرده) نبود و از مصادیق حشو و اطناب سازی به شمار می‌رود.

ترجمه پیشنهادی:

.. و امر و فرمان قاطع بخاطر از بین بردن شبهات فرستاد.

۱۰- أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالَّذِينَ الْمَشْهُورِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ، وَاحْتِجَاجًا بِالْبَيِّنَاتِ.

ترجمه: نیز گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست؛ او را با دین و آیین آشکار، و امر و فرمان قاطع و بی‌پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند.

احتجاجاً، مفعول له تحصیلی است. همان گونه که اشاره شد ترجمه مفعول له درست انجام نشده است و اینکه مترجم در این فقره، کلمه (بینات) را به دلایل و منطق روشن ترجمه نموده است، که به نظر میرسد آوردن کلمه (منطق) زیادی است و از مصادیق حشو و اطناب سازی کلام می‌باشد. «بینات» در بعضی از کتب لغت که مراجعه شد به همان معنای دلایل روشن آمده است.

۱۱- أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالَّذِينَ الْمَشْهُورِ وَالْعَلَمِ الْمَأْثُورِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ، وَاحْتِجَاجًا بِالْبَيِّنَاتِ، وَتَحْذِيرًا بِالْآيَاتِ

نیز گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست، او را با دین و آیین آشکار، و امر و فرمان قاطع و بی‌پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را از مخالفت خدا برحذر دارد.

تحدیرا، تحصیلی است و ترجمه مفعوله له نیز عطف به موارد قبل است و چون مورد اول درست ترجمه نشده این مورد نیز ترجمه درست، نشده است. در این عبارت مترجم دست به شفاف سازی زده و عبارت (مردم را از مخالفت خدا) را به متن اضافه کرده در جهت شفاف سازی کلام مبدا. که طبق مولفه های ترجمه متن محور انتوان برمن از شفاف سازی استفاده کرده درحالیکه نیازی نبود مخالفت از خدا را که در متن اصلی هم ذکر نشده به ترجمه اضافه کند.

۱۲- أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالذِّينِ الْمَشْهُورِ وَالْعَلَمِ الْمَأْثُورِ. ، وَ الْأَمْرِ الصَّادِعِ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ، وَ احْتِجَاجاً بِالْبَيِّنَاتِ، وَ تَحْذِيراً بِالْآيَاتِ وَ تَخْوِيفاً بِالْمَثَلَاتِ. ترجمه: نیز گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست؛ او را با دین و آیین آشکار، و امر و فرمان قاطع و بی پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را از مخالفت خدا برحذر دارد و از کیفرهایی که به دنبال مخالفت، دامنگیرشان می شود بترساند. تخویفاً، تحصیلی است. مفعول له عطف به ماقبل شده و مانند نمونه های قبلی، ترجمه نشده است. در این عبارت نیز مانند عبارت قبل شفاف سازی صورت گرفته شده است و توضیح اضافه داده شده است (کیفرهایی که به دنبال مخالفت، دامنگیرشان شده) توضیح اضافه است که در متن مبدا وجود ندارد و مترجم خواسته با این توضیح، مساله را روشنتر و شفافتر کند درحالی که شاید ابهامی که در متن اصلی وجود دارد هدفی را به دنبال داشته باشد.

ترجمه پیشنهادی:

به خاطر اینکه شبهات را از میان بردارد و با دلایل روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را پرهیز دهد و از کیفرهای الهی بترساند.

۱۳- فَمَنْ تَرَكَهُ رُغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تُوبَةَ الذُّلِّ.

ترجمه: هر کس آن را از روی بی اعتنایی (نه به خاطر عذر) ترک کند خدا لباس ذلت و خواری در اندام او می پوشاند.

رغبه، حصولی است و ترجمه مفعول له درست انجام نشده است و بهتر بود به جای از روی بی اعتنایی، بخاطر بی اعتنایی بیاورد. اما طبق نظریه برمن، توضیح داخل پرانتز در این ترجمه مصداق مولفه شفاف سازی می باشد و نیازی به آوردن عبارت (نه به خاطر عذر) در ترجمه نبود. درمورد ترجمه (رغبه عنه) هم باید گفت که ایشان بسیار دقیق عمل کرده اند، چراکه

(رغب) با حرف اضافه (عن) به معنای رویگردانی و اعراض می‌باشد (حیدری، معجم الافعال المتداوله: ۲۷۸)

۱۴- فوالله لو وَخَرَجْتُمْ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ التَّمَّاسِ الْقُرْبَةَ إِلَيْهِ فِي اِزْتِنَاعِ دَرَجَةٍ عِنْدَهُ.

ترجمه: به خدا سوگند! اگر ودست از اموال و فرزندان بکشید تا به قرب الهی و مقامات بالای نزد او دست یابید.

التماس، مفعول له تحصیلی است. مفعوله له دقیق ترجمه نشده است و بهتر بود به جای تا (بخاطر) ترجمه شود. در این ترجمه آقای مکارم، (التماس) را به دست یافتن معنا کرده درحالی‌که در این کلمه معنای اصرار و المحاح و طلب نهفته است و ایشان این معنا را به روشنی بیان نکرده است. جوهری در الصحاح، التماس را به (الطلب مره بعد آخری) ترجمه کرده است. (جوهری، ۱۳۷۶: ۹۷۵) در التحقيق نیز (طلب التماس و الوصول الى المطلوب) معنا شده است.

ترجمه پیشنهادی:

اگر به خاطر طلب دست یابی به قرب الهی و مقامات بالای نزد او، دست از اموال و فرزندان بکشید. . . (سزاوار است)

۱۵- اما قولکم: اكل ذلك كراهية الموت؟

ترجمه: اما این که می‌گویید: «تأخیر در جنگ به خاطر ناخشنودی از مرگ است» کراهیه، حصولی است. در این عبارت مفعول له درست ترجمه شده و کلمه بخاطر بیانگر علیت امر است. اما آقای مکارم عبارت (أكل ذلك) را ترجمه ننموده است لذا از این جهت با مولفه‌های ترجمه متن محور بر من تعارض دارد، ایشان می‌توانست کل ذلك را ترجمه کند و عبارت تأخیر در جنگ را که در عبارات پیشین آمده است ولی در این عبارت موجود نیست را داخل پرانتز قرار دهد.

ترجمه پیشنهادی:

اما سخن شما: که آیا همه این (تأخیر در جنگ) به خاطر ناخوشنودی از مرگ است؟

۱۶- وَدَاعِيَةَ بِالْوَيْلِ جَزَعًا

ترجمه: (وهمسری دلسوز) گریه و ناله سرداده اند.

جزعا، مفعول له تحصیلی است. مفعول له درست ترجمه نشده است. در این عبارت «جزع» به «گریه» ترجمه شده است در حالیکه چنین معادلی برای واژه «جزع» صحیح نمی‌باشد، «الجزع» از نظر لغوی به معنای «نقبض الصبر» یا همان بی تابی و بی طاقتی آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۵۳) درحقیقت ایشان نتیجه بی طاقتی را که گریه و ناله بوده است را در ترجمه خود وارد کرده است در حالیکه در متن اصلی چنین واژه‌ای نبود. ضمن اینکه با آوردن عبارت (همسری دلسوز) داخل پرانتز شفاف سازی نیز صورت گرفته است.

۱۷- وَلَا دِمَّةَ لِلصَّدْرِ قَلْقًا؛

ترجمه مکارم: (و مادری دلسوخته که) شدت ناراحتی به سینه می‌کوبد، قلقا، مفعول له حصولی است. مفعول له ترجمه صحیح نشده است، ترجمه مفعول مطلق شده است، و در حقیقت عقلایی سازی صورت گرفته است چرا که مترجم ساختار نحوی متن اصلی را برهم زده است. ضمن اینکه در این قسمت نیز با آوردن عبارت داخل پرانتز (مادری دلسوخته که) شفاف سازی نیز صورت گرفته است. که در حقیقت دو مولفه از مولفه های تحریف متن آنتوان برمن را در ترجمه خود به کار برده است.

ترجمه پیشنهادی:

ناله کننده‌ای به خاطر بی طاقتی و بر سینه کوبنده‌ای به خاطر نگرانی.

۱۸- وَأَنْزَلَ عَلَيْكُمْ «الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»

ترجمه: خداوند کتاب (قرآن) را بر شما نازل کرده است، که بیانگر همه چیز است (و تمام اموری که به هدایت و سعادت و نجات انسانها مربوط است در آن بیان شده)
تبیان، تحصیلی است. در اینجا مفعول له به درستی ترجمه نشده است و بهتر بود به جای «که» از «به این خاطر که» یا «به این جهت که» استفاده کند چراکه مفعول له تحصیلی است و در حقیقت خداوند قرآن را نازل کرده است تا تبیان باشد. آقای مکارم در این قسمت از ترجمه دوباره دست به شفاف سازی زده و در صدد برآمده تا آن قسمت از کلام حضرت را که برگرفته از آیه قرآن هست را با آوردن توضیح اضافه داخل پرانتز، روشن و تبیین کند درحالی که اگر نیاز بود خود حضرت توضیح بیشتر در مورد (تبیان) را بیان می‌کردند. چه بسا غرض این بوده که خود مخاطب برای دریافتن توضیح بیشتر در مورد تبیان بودن قرآن، به تفاسیر مراجعه کند. و نکته ی دیگر در مورد ترجمه آیه این است که مترجم فعل (أنزل) را به نازل کرده است ترجمه کرده، درحالیکه (نازل کرد) مناسبتر است.

ترجمه پیشنهادی:

و خداوند کتاب (قرآن) را بر شما نازل کرد به این خاطر که بیانگر همه چیز باشد.

۱۹- مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ

ترجمه: و همچون درختی که در روز طوفانی از شدت تندباد به خود می لرزد، از خوف عقاب... می لرزیدند.

خوفا: حصولی است. زیرا خوف از عقاب در آنها حاصل بوده و به همین دلیل می لرزیدند. در این عبارت ترجمه مفعول له با (از) صورت گرفته است که البته در ترجمه مفعول له حصولی آوردن (از) نادرست نیست اما بهتر بود به جای (از)، (بخاطر) یا (بسبب) جایگزین میشد تا معنای سببیت مفعول له را بهتر منتقل می نمود. در این ترجمه، عبارت «از شدت تندباد» مصداق حشو و اطناب سازی کلام است چرا که در متن مبدا چنین قیدی آورده نشده است.

۲۰- مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ، وَرَجَاءً لِلثَّوَابِ!

ترجمه: و همچون درختی که در روز طوفانی از شدت تندباد به خود می لرزد، از خوف عقاب و عشق به ثواب می لرزیدند!

رجاء، مفعول له حصولی است. در مورد ترجمه (رجاء) نیز همان مطالب پیشین صدق می کند چون، «رجاء» عطف به خوفا شده است. واژه «رجاء» صحیح ترجمه نشده است چراکه کلمه «رجاء» در هیچ یک از معاجم به معنای (عشق) نیامده است بلکه به (امید) معنا شده است. کما اینکه ابن فارس در مقاییس اللغه «رجاء» را به «امید» معنا کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۳)

ترجمه پیشنهادی:

همچون درختی که در روز طوفانی به خود می لرزد، بخاطر بیم ازعذاب و امید به ثواب می لرزیدند.

نتیجه گیری

از آنچه در این نوشتار گفته شد نتایج زیر به دست می آید:

در مقاله حاضر از مجموع ۲۴۱ خطبه نهج البلاغه موارد مفعول له از خطبه یک تا صد جمع آوری شد. از خطبه اول تا صد نهج البلاغه، تعداد ۲۰ مفعول له یافت شد و ترجمه همه این موارد در بافت متنی، براساس نظریه متن محور برمن بررسی شد، در بیشتر این موارد مفعول له به درستی ترجمه نشده بود و همچنین ترجمه بافت متن بر اساس سه مولفه از مولفه های

تحریف متن آنتوان برمن یعنی، (عقلایی سازی) (حشو واطناب کلام) و (شفاف سازی)، بررسی شد که در موارد زیادی با مولفه های تحریف متن مطابقت داشت و بر اساس نظر برمن، ترجمه دچار تحریف شده بود.

– با بررسی ۲۰ مفعول له، ۱۴ تای آن تحصیلی و ۶ تای آن حصولی می باشد. اگرچه در بعضی از موارد، مفعول له از جهتی تحصیلی بود و از جهت دیگر حصولی به نظر می رسید اما در مجموع میزان مفعول له تحصیلی در موارد بررسی شده بیشتر بود.

– با تحلیل ۲۰ مفعول له، و مولفه سه گانه مذکور، به ترتیب شفاف سازی با ۶ مورد، حشو و اطناب با ۵ مورد و عقلایی سازی با ۲ مورد، بیشترین بسامد را داشتند لازم به ذکر است که در برخی از خطبه ها، چند مورد از این مولفه ها به طور همزمان مطابقت می کرد.

– در میان خطبه های بررسی شده، ترجمه بعضی از این موارد با مولفه های مورد نظر ما قابل نقد نبود اما معادل یابی درست صورت نگرفته بود و واژگان و عبارات به طور صحیح ترجمه نشده بود و از این رو با نظریه برمن که همگونی کامل متن مقصد را با متن مبدا را انتظار دارد هماهنگ نبود.

– از میان ۲۰ مفعول له بررسی شده، ۹ مورد آن دقیق ترجمه شده بود و ۱۱ مورد آن غیردقیق ترجمه شده بود.

– در نهایت می توان گفت اگر چه ایشان در مواردی نسبت به معادل یابی صحیح عبارات دچار اشکال شده است و یا گاهی با توضیحات اضافه و شفاف سازی ها و برهم زدن ساختار از متن اصلی کمی فاصله گرفته است اما در مجموع می توان ترجمه ایشان را از جهت انتقال محتوا، ترجمه ای وفادار به متن مبدا دانست، ضمن اینکه این ترجمه به گونه ای است که خواننده فارسی زبان به راحتی و روانی معانی متن مبدا را در می یابد و در مواردی هم که بر اساس نظریه برمن سبب تحریف متن گشته است در جهت روانی و رسایی ترجمه بوده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدبن فارس، (۱۴۰۴) مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). آنتوان برمن و نظریه «گرایش های ریخت شکنانه»؛

معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه. نقد زبان و ادبیات خارجی، (۱)۶، ۱-۱۹.

- ام البنین، خالقیان، (۱۳۹۱) معجم اعراب و الفاظ نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد، (دون تاریخ) شرح ملاجمی علی متن الکفایة فی النحو، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حما، (۱۳۷۶) الصحاح، بیروت: دارالعلوم للملايين.
- الحرانی، ابي محمد حسن بن علی، (۱۳۷۸) تحف العقول عن آل الرسول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کتابچی.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۱)، معجم الافعال المتداولة، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
- خالقیان، ام البنین، (۱۳۹۱)، معجم اعراب و الالفاظ نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- دلشاد شهرام، مسبوق سید مهدی، بخشش مقصود، (۱۳۹۴) نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن. جستارهای قرآنی و حدیثی مدرس، ۲ (۴): ۹۹-۱۲۰.
- صفایی، غلامعلی، (۱۳۸۶)، بداية النحو، قم: مدیریة العامه للحوزة العلمیة.
- صفوی، کوروش، (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، چاپ نهم، تهران: نشر مرکز.
- طهماسبی، عدنان، جعفری، صدیقه. (۱۳۹۳). جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند «معادل‌یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السکرية). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴ (۱۰): ۹۷-۱۱۸.
- غازی زاهد، زهیر، (۱۴۲۶)، اعراب نهج البلاغه و بیانه و معانیه، النجف: التیمی لنشر.
- فرحزاد، فرزانه، (۱۳۸۲)، چارچوب نظری برای نقد ترجمه، مطالعات ترجمه، ۱ (۳).
- کریمیان، فرزانه، اصلانی، منصوره، (۱۳۹۰) نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه (بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس)، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۴۴ (۳).
- ماندی، جرمی، (۱۳۸۹)، درآمدی بر مطالعات ترجمه الهه ستوده و فریده حق بین، تهران: نشر علم.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مهدی پرور، فاطمه، (۱۳۸۹) نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن، کتاب ماه و ادبیات، شماره ۴۱.

بررسی معادل یابی ترجمه مفعول له بر اساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی ترجمه ۱۰۰ خطبه اول

نصری محمد، حیدر نصرت زاده و شهرام مدرس، (۱۴۰۲) تحلیل راهبردهای معادل یابی در ترجمه های متون بانکی با استفاده از رویکرد زبان شناختی معنا شناسی ساختارگرا، زبان و ادبیات فارسی، ۵۴ (۱۵)، ۲۵۱ - ۲۸۰.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Holy Quran
 -Nahj al-Balagha
 Ahmad bin Faris, (1983) *Al-Maqayis al-Laghga*, Qom: School of Islamic Studies [In Arabic].
 Ahmadi, M., (2013) An introduction to the Deconstructive Trends of Antoine Berman, *Critical Language and Literary studies*, 6(1), 1-19.
 Al-Harani, A., (1999) *Tuhf al-Aqool on Aal al-Rasoul*, 7th edition, Tehran: Katabchi Publications. [In Arabic]
 Farahzad, F., (2012), Theoretical Framework for Translation Criticism, *Translation Studies*, 1 (3).
 Ghazi Zahid, Z., (2005), *Arabs of Nahj al-Balagha and Bayaneh and Meaning*, Al-Najaf: Al-Tamimi Publications. [In Arabic]
 Heydari, M., (2002), *Ma'jam al-Aqfal al-Mutadawelah*, Qom: Al-Marqas al-Alami for Islamic Studies. [In Arabic]
 Jami, A., (Not Date) *Muljami's description of text al-Kefayat al-Nahw*, Beirut: Dar Ehya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
 Johari, I., (1997) *Al-Sahah*, Beirut: Darul Uloom Al-Mulayin. [In Arabic]
 Karimian, F., Aslani, M., (2013) The role of loyalty to an author in translation (a comparative review of Qasim Rubin's translations of Marguerite Duras's works), *Language and Translation Studies Quarterly*, 44.(۳)
 Khalekian, U., (2011), *The Arabic Dictionary of Nahj al-Balagha*, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation Publications. [In Arabic]
 Mandi, J., (2010), *An introduction to the translation studies of Elahe Sotoudeh and Faridah Haqbin*, Tehran: Elam Publications. [In Persian]

Mehdi Paror, F., (2008) A comment on the emergence of translation theories and the examination of the text distortion system according to Antoine Berman, *Book of the Month and Literature*, No. 41.

Mustafavi, H., (2008) *Researching the Words of the Holy Qur'an*, Beirut: Dar Al-Katb Al-Alamiya. [In Arabic]

Nasri Mohammad, H., Modares, S., (2023) Analysis of equivalence strategies in translations of banking texts using the linguistic approach of structuralist semantics, *Persian language and literature*, 54 (15), 251-280.

Safai, G., (2007), *The Beginning of Grammar*, Qom: General Directorate of Al-Hawza Al-Alamiya. [In Arabic]

Safavi, K., (1992), *Seven Speeches About Translation*, 9th edition, Tehran: Markaz Publications. [In Persian]

Shahram D., Masboug, S., Bakshesh, M., (2016) A critical evaluation of Nahj al-Balagha translation by Shahidi based on Antoine Berman's "deforming tendencies", *QHTS*, 2 (4), 99-120.

Tahmasbi, A., Jafari, S. (2014). Researching in translation from Arabic into Persian relying on the process of "moral equivalence" (case study of the novel Al-Sukariya), *Translation Researches in the Arabic Language And Literature*, 4(10), 97-118.

Umm al-Binin, K., (2012) *Dictionary of Arabs and the Words of Nahj al-Balagha*, 1th edition, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation Publications. [In Persian]